



Reuters

## وزیر خارجه پیشین امریکا

در کتاب خود که به تازگی منتشر شده اعتراف کرد

# استراتژی امریکا ناراضی کردن مردم از جمهوری اسلامی ایران است

**ایلیا داودی/** مایک پمپئو، وزیر خارجه سابق امریکا، یکی از مهره‌های کلیدی برای فشار بر جمهوری اسلامی ایران بوده است و به نوعی می‌توان گفت که هدایت سیاست خارجی دولت ترامپ را رهبری می‌کرد. اکنون او در کتابش با عنوان «حتی یک اینچ هم عقب نکش؛ جنگیدن برای امریکایی که دوستش دارم» که در روز پیش از سوی انتشارات «برودساید» منتشر شده، نشان می‌دهد که چگونه این کار را انجام داده است و چگونه قرار است این سیاست تداوم پیدا کند. او به عنوان تنها عضو چهره‌ساز ساله امنیت ملی کابینه ترامپ، در راستای تحمیل فشار فزاینده بر جمهوری اسلامی ایران

بیشتری را طراحی کردیم. در ابتدا پروژه‌های مرتبط با ایران را که هرکدام وظایف جداگانه هر کدام و منابعی را از ما انجام داده بودیم، ارائه کردیم. ما نقاط آسیب‌پذیر رژیم ایران را شناسایی کردیم و به رئیس جمهور ترامپ و فرماندهان تاکید کردیم که باید در آینده روی آنها متمرکز شوند و پیرامون آنها کار کنند و امیدوارم که در آینده نیز این روند ادامه پیدا کند...»

**■ اجماع بین‌المللی علیه ایران؛ مرحله دوم براندازی**

گام دوم برای مقابله با ایران، ایجاد یک اجماع بین‌المللی بود... رابطه امریکا با اسرائیل و موساد در وضعیتی تقریباً بحرانی بود و این رابطه می‌بایست ادامه پیدا کند. یوسی کوهن مشاور امنیت ملی بنیامین نتانیاهو و یک جاسوس واقعی بود، نترس، خلاق و کاریزما تیک! می‌دانستم که رابطه عمیقی با نتانیاهو دارد و رژیم ایران برای سیا و موساد یک مشکل است و می‌دانستم که او مشتاق دیدار با من است.

اولین بار با هم در فوریه ۲۰۱۷ در هلندی در اورشلیم به نام کینگ دیوید افسانه‌های ملاقات کردیم و این اولین سفر بین‌المللی من به عنوان مدیر تیلرسون وزیر خارجه، و مشاور امنیت ملی آج آر - متیس و تیلرسون برای رئیس‌جمهور توضیح دادند که حتی اگر توافق خوبی هم صورت نگرفته باشد، باز هم عقب‌نشینی از آن بسیار خطرناک است و ممکن است به یک جنگ ختم شود.

اولین گام برای مقابله با تهدید هسته‌ای ایران، شناسایی تحلیلگران حامی توافق هسته‌ای در شهر «لنگلی» در بریتیش کلمبیا کانادا و ایجاد مرکز مأموریت جمهوری ایران بود. (IRMC) نام این گروه ضربت کاملاً جدید [در انگلیسی] تنها در یک حرف با مخفف نام سپاه پاسداران انقلاب اسلامی متفاوت بود (IRGC) و این نامگذاری عمدی بود. من به دنبال یکی از بهترین کارشناسان یک آژانس خاورمیانه‌ای برای رهبری این مرکز بودم، پس از مشورت با معاونم، یکی از دوستانم به نام مایک را به او پیشنهاد دادم و از برنامه‌ام برای انتخاب او برای این سمت گفتم. معاونم به من گفت که بسیاری او را یک احق می‌دانند؛ زیرا کار با او تقریباً غیرممکن است. اما من مایک را از نزدیکی می‌شناختم و معتقد بودم که او ریسک‌های مناسبی برای مقابله خواهد کرد. اما به نظر او درست همان نیرویی بود که «تیم ایران» ما به آن نیاز داشت. وقتی با او صحبت کردم و در مورد مأموریت گروه ضربت به او گفتم، چشمانش باز شد و خودش هم تایید کرد که او گزینه مناسبی برای این کار است... من او را همانجا استخدام کردم و

بیشتری را طراحی کردیم. در ابتدا پروژه‌های مرتبط با ایران را که هرکدام وظایف جداگانه هر کدام و منابعی را از ما انجام داده بودیم، ارائه کردیم. ما نقاط آسیب‌پذیر رژیم ایران را شناسایی کردیم و به رئیس جمهور ترامپ و فرماندهان تاکید کردیم که باید در آینده روی آنها متمرکز شوند و پیرامون آنها کار کنند و امیدوارم که در آینده نیز این روند ادامه پیدا کند...»

**■ اجماع بین‌المللی علیه ایران؛ مرحله دوم براندازی**

گام دوم برای مقابله با ایران، ایجاد یک اجماع بین‌المللی بود... رابطه امریکا با اسرائیل و موساد در وضعیتی تقریباً بحرانی بود و این رابطه می‌بایست ادامه پیدا کند. یوسی کوهن مشاور امنیت ملی بنیامین نتانیاهو و یک جاسوس واقعی بود، نترس، خلاق و کاریزما تیک! می‌دانستم که رابطه عمیقی با نتانیاهو دارد و رژیم ایران برای سیا و موساد یک مشکل است و می‌دانستم که او مشتاق دیدار با من است.

اولین بار با هم در فوریه ۲۰۱۷ در هلندی در اورشلیم به نام کینگ دیوید افسانه‌های ملاقات کردیم و این اولین سفر بین‌المللی من به عنوان مدیر تیلرسون وزیر خارجه، و مشاور امنیت ملی آج آر - متیس و تیلرسون برای رئیس‌جمهور توضیح دادند که حتی اگر توافق خوبی هم صورت نگرفته باشد، باز هم عقب‌نشینی از آن بسیار خطرناک است و ممکن است به یک جنگ ختم شود.

اولین گام برای مقابله با تهدید هسته‌ای ایران، شناسایی تحلیلگران حامی توافق هسته‌ای در شهر «لنگلی» در بریتیش کلمبیا کانادا و ایجاد مرکز مأموریت جمهوری ایران بود. (IRMC) نام این گروه ضربت کاملاً جدید [در انگلیسی] تنها در یک حرف با مخفف نام سپاه پاسداران انقلاب اسلامی متفاوت بود (IRGC) و این نامگذاری عمدی بود. من به دنبال یکی از بهترین کارشناسان یک آژانس خاورمیانه‌ای برای رهبری این مرکز بودم، پس از مشورت با معاونم، یکی از دوستانم به نام مایک را به او پیشنهاد دادم و از برنامه‌ام برای انتخاب او برای این سمت گفتم. معاونم به من گفت که بسیاری او را یک احق می‌دانند؛ زیرا کار با او تقریباً غیرممکن است. اما من مایک را از نزدیکی می‌شناختم و معتقد بودم که او ریسک‌های مناسبی برای مقابله خواهد کرد. اما به نظر او درست همان نیرویی بود که «تیم ایران» ما به آن نیاز داشت. وقتی با او صحبت کردم و در مورد مأموریت گروه ضربت به او گفتم، چشمانش باز شد و خودش هم تایید کرد که او گزینه مناسبی برای این کار است... من او را همانجا استخدام کردم و

کامل عبور کرد و بازسازی می‌شد. اما از زمان رئیس جمهوری هری، ترومن و جورج مارشال جهان بسیار تغییر کرده بود. کشورهای اروپایی بویژه اروپای غربی که برخی از آنها ثروتمندترین روی زمین بودند، حاضر به کمک برای دفاع از مردم خود نشدند؛ آنها به روسیه اعتنایی نداشتند و حتی اصلاً نمی‌دانستند که باید به چین به عنوان یک تهدید نگاه کنند. یک جرخش ۱۸۰ درجه بود از وضعیتی که در دوره قبل از ترامپ وجود داشت. **■ ناتوا و ادا کردن از منافع امریکا دفاع کند**

در سفری که به بلژیک داشتم، ما وزرای خارجه ناتو دیدار کردم. ما می‌خواستیم به این کشورها فشار بیاوریم که از نظر هزینه‌های دفاعی خود را تقویت کنند؛ آنها باید می‌فهمیدند که این مسأله تا چه اندازه برای دولت ترامپ مهم است. نشست ناتو در سطوح مختلف مهم بود؛ ما آن موافقت کرده بودیم. پاسخ دادیم که ما برای دفاع مشترک خرج نمی‌کنیم. عنوان قدرت نظامی پیشرو جهان پس از جنگ جهانی دوم، چتر امنیتی اش را برای اروپا گسترانده بود و ما تنها ملتی بودیم که می‌توانست حمایت مالی و توان نظامی مناسب را در مبارزه با کمونیسم ترتیب دهد، آن هم در سال‌هایی که اروپا از ویرانی



بیشتری را طراحی کردیم. در ابتدا پروژه‌های مرتبط با ایران را که هرکدام وظایف جداگانه هر کدام و منابعی را از ما انجام داده بودیم، ارائه کردیم. ما نقاط آسیب‌پذیر رژیم ایران را شناسایی کردیم و به رئیس جمهور ترامپ و فرماندهان تاکید کردیم که باید در آینده روی آنها متمرکز شوند و پیرامون آنها کار کنند و امیدوارم که در آینده نیز این روند ادامه پیدا کند...»

**■ اجماع بین‌المللی علیه ایران؛ مرحله دوم براندازی**

گام دوم برای مقابله با ایران، ایجاد یک اجماع بین‌المللی بود... رابطه امریکا با اسرائیل و موساد در وضعیتی تقریباً بحرانی بود و این رابطه می‌بایست ادامه پیدا کند. یوسی کوهن مشاور امنیت ملی بنیامین نتانیاهو و یک جاسوس واقعی بود، نترس، خلاق و کاریزما تیک! می‌دانستم که رابطه عمیقی با نتانیاهو دارد و رژیم ایران برای سیا و موساد یک مشکل است و می‌دانستم که او مشتاق دیدار با من است.

اولین بار با هم در فوریه ۲۰۱۷ در هلندی در اورشلیم به نام کینگ دیوید افسانه‌های ملاقات کردیم و این اولین سفر بین‌المللی من به عنوان مدیر تیلرسون وزیر خارجه، و مشاور امنیت ملی آج آر - متیس و تیلرسون برای رئیس‌جمهور توضیح دادند که حتی اگر توافق خوبی هم صورت نگرفته باشد، باز هم عقب‌نشینی از آن بسیار خطرناک است و ممکن است به یک جنگ ختم شود.

اولین گام برای مقابله با تهدید هسته‌ای ایران، شناسایی تحلیلگران حامی توافق هسته‌ای در شهر «لنگلی» در بریتیش کلمبیا کانادا و ایجاد مرکز مأموریت جمهوری ایران بود. (IRMC) نام این گروه ضربت کاملاً جدید [در انگلیسی] تنها در یک حرف با مخفف نام سپاه پاسداران انقلاب اسلامی متفاوت بود (IRGC) و این نامگذاری عمدی بود. من به دنبال یکی از بهترین کارشناسان یک آژانس خاورمیانه‌ای برای رهبری این مرکز بودم، پس از مشورت با معاونم، یکی از دوستانم به نام مایک را به او پیشنهاد دادم و از برنامه‌ام برای انتخاب او برای این سمت گفتم. معاونم به من گفت که بسیاری او را یک احق می‌دانند؛ زیرا کار با او تقریباً غیرممکن است. اما من مایک را از نزدیکی می‌شناختم و معتقد بودم که او ریسک‌های مناسبی برای مقابله خواهد کرد. اما به نظر او درست همان نیرویی بود که «تیم ایران» ما به آن نیاز داشت. وقتی با او صحبت کردم و در مورد مأموریت گروه ضربت به او گفتم، چشمانش باز شد و خودش هم تایید کرد که او گزینه مناسبی برای این کار است... من او را همانجا استخدام کردم و

بیشتری را طراحی کردیم. در ابتدا پروژه‌های مرتبط با ایران را که هرکدام وظایف جداگانه هر کدام و منابعی را از ما انجام داده بودیم، ارائه کردیم. ما نقاط آسیب‌پذیر رژیم ایران را شناسایی کردیم و به رئیس جمهور ترامپ و فرماندهان تاکید کردیم که باید در آینده روی آنها متمرکز شوند و پیرامون آنها کار کنند و امیدوارم که در آینده نیز این روند ادامه پیدا کند...»

**■ اجماع بین‌المللی علیه ایران؛ مرحله دوم براندازی**

گام دوم برای مقابله با ایران، ایجاد یک اجماع بین‌المللی بود... رابطه امریکا با اسرائیل و موساد در وضعیتی تقریباً بحرانی بود و این رابطه می‌بایست ادامه پیدا کند. یوسی کوهن مشاور امنیت ملی بنیامین نتانیاهو و یک جاسوس واقعی بود، نترس، خلاق و کاریزما تیک! می‌دانستم که رابطه عمیقی با نتانیاهو دارد و رژیم ایران برای سیا و موساد یک مشکل است و می‌دانستم که او مشتاق دیدار با من است.

اولین بار با هم در فوریه ۲۰۱۷ در هلندی در اورشلیم به نام کینگ دیوید افسانه‌های ملاقات کردیم و این اولین سفر بین‌المللی من به عنوان مدیر تیلرسون وزیر خارجه، و مشاور امنیت ملی آج آر - متیس و تیلرسون برای رئیس‌جمهور توضیح دادند که حتی اگر توافق خوبی هم صورت نگرفته باشد، باز هم عقب‌نشینی از آن بسیار خطرناک است و ممکن است به یک جنگ ختم شود.

اولین گام برای مقابله با تهدید هسته‌ای ایران، شناسایی تحلیلگران حامی توافق هسته‌ای در شهر «لنگلی» در بریتیش کلمبیا کانادا و ایجاد مرکز مأموریت جمهوری ایران بود. (IRMC) نام این گروه ضربت کاملاً جدید [در انگلیسی] تنها در یک حرف با مخفف نام سپاه پاسداران انقلاب اسلامی متفاوت بود (IRGC) و این نامگذاری عمدی بود. من به دنبال یکی از بهترین کارشناسان یک آژانس خاورمیانه‌ای برای رهبری این مرکز بودم، پس از مشورت با معاونم، یکی از دوستانم به نام مایک را به او پیشنهاد دادم و از برنامه‌ام برای انتخاب او برای این سمت گفتم. معاونم به من گفت که بسیاری او را یک احق می‌دانند؛ زیرا کار با او تقریباً غیرممکن است. اما من مایک را از نزدیکی می‌شناختم و معتقد بودم که او ریسک‌های مناسبی برای مقابله خواهد کرد. اما به نظر او درست همان نیرویی بود که «تیم ایران» ما به آن نیاز داشت. وقتی با او صحبت کردم و در مورد مأموریت گروه ضربت به او گفتم، چشمانش باز شد و خودش هم تایید کرد که او گزینه مناسبی برای این کار است... من او را همانجا استخدام کردم و

چند ماه پس از سرنگونی پهباد امریکایی توسط ایران، موشک‌های کروز به عربستان سعودی حمله کردند. اهداف عمده، تأسیسات متعلق به شرکت نفت عربستان سعودی آرامکو بودند. این اتفاق منابع انرژی جهان را تهدید می‌کرد. قیمت محصولات برای مدت کوتاهی افزایش یافت، اما آنها توانستند در نهایت خسارت را کاهش داده و به عرضه ادامه دهند. در آن زمان ما با عربستان و اردن ارتباط بدیم و سعودی‌ها می‌خواستند ما برای انجام چه کاری آماده‌ایم. در این زمان خطرناک من به رئیس‌جمهور توصیه کردم سامانه‌های پدافند هوایی به عربستان سعودی ارسال کنیم و به آنها سلاح‌های دفاعی بدهیم... اگر اقدامات بیشتری انجام داده بودیم، امنیت بیشتری را برای امریکا فراهم کرده بودند. در این زمان در دل خود احساس کردم در حال دست دادن قدرت بازدارندگی علیه ایران هستیم.

چند ماه پس از سرنگونی پهباد امریکایی توسط ایران، موشک‌های کروز به عربستان سعودی حمله کردند. اهداف عمده، تأسیسات متعلق به شرکت نفت عربستان سعودی آرامکو بودند. این اتفاق منابع انرژی جهان را تهدید می‌کرد. قیمت محصولات برای مدت کوتاهی افزایش یافت، اما آنها توانستند در نهایت خسارت را کاهش داده و به عرضه ادامه دهند. در آن زمان ما با عربستان و اردن ارتباط بدیم و سعودی‌ها می‌خواستند ما برای انجام چه کاری آماده‌ایم. در این زمان خطرناک من به رئیس‌جمهور توصیه کردم سامانه‌های پدافند هوایی به عربستان سعودی ارسال کنیم و به آنها سلاح‌های دفاعی بدهیم... اگر اقدامات بیشتری انجام داده بودیم، امنیت بیشتری را برای امریکا فراهم کرده بودند. در این زمان در دل خود احساس کردم در حال دست دادن قدرت بازدارندگی علیه ایران هستیم.

چند ماه پس از سرنگونی پهباد امریکایی توسط ایران، موشک‌های کروز به عربستان سعودی حمله کردند. اهداف عمده، تأسیسات متعلق به شرکت نفت عربستان سعودی آرامکو بودند. این اتفاق منابع انرژی جهان را تهدید می‌کرد. قیمت محصولات برای مدت کوتاهی افزایش یافت، اما آنها توانستند در نهایت خسارت را کاهش داده و به عرضه ادامه دهند. در آن زمان ما با عربستان و اردن ارتباط بدیم و سعودی‌ها می‌خواستند ما برای انجام چه کاری آماده‌ایم. در این زمان خطرناک من به رئیس‌جمهور توصیه کردم سامانه‌های پدافند هوایی به عربستان سعودی ارسال کنیم و به آنها سلاح‌های دفاعی بدهیم... اگر اقدامات بیشتری انجام داده بودیم، امنیت بیشتری را برای امریکا فراهم کرده بودند. در این زمان در دل خود احساس کردم در حال دست دادن قدرت بازدارندگی علیه ایران هستیم.

چند ماه پس از سرنگونی پهباد امریکایی توسط ایران، موشک‌های کروز به عربستان سعودی حمله کردند. اهداف عمده، تأسیسات متعلق به شرکت نفت عربستان سعودی آرامکو بودند. این اتفاق منابع انرژی جهان را تهدید می‌کرد. قیمت محصولات برای مدت کوتاهی افزایش یافت، اما آنها توانستند در نهایت خسارت را کاهش داده و به عرضه ادامه دهند. در آن زمان ما با عربستان و اردن ارتباط بدیم و سعودی‌ها می‌خواستند ما برای انجام چه کاری آماده‌ایم. در این زمان خطرناک من به رئیس‌جمهور توصیه کردم سامانه‌های پدافند هوایی به عربستان سعودی ارسال کنیم و به آنها سلاح‌های دفاعی بدهیم... اگر اقدامات بیشتری انجام داده بودیم، امنیت بیشتری را برای امریکا فراهم کرده بودند. در این زمان در دل خود احساس کردم در حال دست دادن قدرت بازدارندگی علیه ایران هستیم.

چند ماه پس از سرنگونی پهباد امریکایی توسط ایران، موشک‌های کروز به عربستان سعودی حمله کردند. اهداف عمده، تأسیسات متعلق به شرکت نفت عربستان سعودی آرامکو بودند. این اتفاق منابع انرژی جهان را تهدید می‌کرد. قیمت محصولات برای مدت کوتاهی افزایش یافت، اما آنها توانستند در نهایت خسارت را کاهش داده و به عرضه ادامه دهند. در آن زمان ما با عربستان و اردن ارتباط بدیم و سعودی‌ها می‌خواستند ما برای انجام چه کاری آماده‌ایم. در این زمان خطرناک من به رئیس‌جمهور توصیه کردم سامانه‌های پدافند هوایی به عربستان سعودی ارسال کنیم و به آنها سلاح‌های دفاعی بدهیم... اگر اقدامات بیشتری انجام داده بودیم، امنیت بیشتری را برای امریکا فراهم کرده بودند. در این زمان در دل خود احساس کردم در حال دست دادن قدرت بازدارندگی علیه ایران هستیم.